

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۹۷

مصادف با: ۱ ربیع الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۳۱

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط پنجم؛ طلا و نقره نبودن ظرف آب وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

الشرط الخامس: «أن لا يكون ظرف ماء الوضوء من أواني الذهب أو الفضة و إلّا بطل، سواء اغترف منه أو إدارة على أعضائه و سواء انحصر فيه أم لا و مع الانحصار يجب أن يفرغ ماءه في ظرف آخر و يتوضأ به و إن لم يمكن التفريغ إلّا بالتوضؤ، يجوز ذلك حيث إن التفريغ واجب و لو توضأ منه جهلاً أو نسياناً أو غفلة، صح، كما في الآنية الغصبية و المشكوك كونه منهما، يجوز الوضوء منه؛ كما يجوز سائر استعمالاته»^۱.

شرط پنجم از شرائط وضو این است که ظرف آب وضو از ظروف طلا یا نقره نباشد و الا وضو باطل است، اعم از اینکه آب را از ظرف بردارد [و با آن صورت و دست‌ها را بشوید] یا اینکه آب را به وسیله ظرف [طلا یا نقره] بر اعضای وضو بچرخاند [و به این نحو آب را بر اعضا بریزد] و فرقی نمی‌کند که آب منحصر به آب ظرف طلا یا نقره باشد یا اینکه منحصر به آن نباشد [و آب دیگری در ظرف دیگری نیز وجود داشته باشد] و با فرض انحصار آب به آب موجود در ظرف طلا یا نقره، واجب است که آن آب را در ظرف دیگری که از طلا و نقره نیست، خالی کند و بعد با آن وضو بگیرد و اگر تفريغ و خالی کردن آب ظرف طلا یا نقره ممکن نباشد مگر با وضو گرفتن، وضو گرفتن با آن جایز است چون تفريغ واجب است [و تفريغ نیز به غیر وضو گرفتن ممکن نیست لذا برای تحقق تفريغ وضو می‌گیرد] و اگر از روی جهل یا نسیان یا غفلت با آب موجود در ظرف طلا یا نقره وضو بگیرد، وضویش صحیح است، كما اینکه در ظرف غصبی حکم همین بود [، یعنی وضوی از ظرف غصبی در صورت جهل یا نسیان یا غفلت، صحیح است] و وضو گرفتن از ظرفی که طلا یا نقره بودن آن مشکوک است، جایز است؛ كما اینکه سایر استعمالات از آن ظرف مشکوک جایز است.

نظیر این بحث در گذشته نیز مطرح شد و در بحث از اوانی ذهب و فضّه به طور مفصل به این بحث اشاره شد، لکن از باب یادآوری مجدد دوباره مطرح می‌شود.

درباره این مسأله، یک بحث مربوط به حکم تکلیفی است و یک بحث مربوط به حکم وضعی است. بحثی که در گذشته شد، بیشتر روی حکم تکلیفی متمرکز بود که آیا از نظر حکم تکلیفی استفاده از ظروف طلا و نقره حرام است یا حرام نیست، لکن اکنون در ذیل شروط وضو، بحث از حکم وضعی مطرح است، یعنی بحث از بطلان وضو از ظروف طلا و نقره که حکم وضعی است، مطرح است.

نخست به بحث از حکم تکلیفی استفاده از ظروف طلا و نقره اشاره می‌شود و در ادامه به بحث از حکم وضعی آن پرداخته می‌شود.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.

در فرض مذکور، در رابطه با حکم تکلیفی، دو قول در مسأله وجود دارد.
قول اول، این است که استفاده از ظروف طلا و نقره برای وضو و غسل حرام نیست.

قول دوم، اینکه استفاده از ظروف طلا و نقره برای وضو و غسل [نیز همانند استفاده برای اكل و شرب] حرام است. قبلاً نیز در مسأله ۴۰۱ به حرمت استفاده از ظروف طلا و نقره اشاره شد [«يُحْرَمُ اسْتِعْمَالُ أَوَانِي الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فِي الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ وَالْوُضُوءِ وَالْغَسْلِ وَتَطْهِيرِ النِّجَاسَاتِ وَغَيْرِهَا مِنْ سَائِرِ الاسْتِعْمَالَاتِ حَتَّى وَضْعُهَا عَلَى الرَّفُوفِ لِلتَّزْيِينِ، بَلْ يُحْرَمُ تَزْيِينُ الْمَسَاجِدِ وَالْمَشَاهِدِ الْمَشْرِقَةِ بِهَا، بَلْ يُحْرَمُ اقْتِنَاؤُهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِعْمَالٍ وَيُحْرَمُ بَيْعُهَا وَشِرَاؤُهَا وَصِيَاقَتُهَا وَأَخْذُ الْأُجْرَةِ عَلَيْهَا، بَلْ نَفْسُ الْأُجْرَةِ أَيْضاً حُرَامٌ لِأَنَّهَا عَوَاضُ الْمَحْرَمِ وَإِذَا حَرَّمَ اللَّهُ شَيْئاً، حَرَّمَ ثَمَنَهُ»]^۱ و عرض شد که مرحوم سید (ره) به حرمت استفاده از ظروف طلا و نقره قائل است.

علت اختلاف در حرمت و عدم حرمت استفاده از ظروف طلا و نقره، به عنوان ظرف آب وضو، تشکیک است که آیا مطلق استعمال ظروف طلا و نقره، حتی به منظور وضو و غسل، حرام است [بعد از اینکه وضو گرفتن و غسل کردن استعمال تلقی شود] که اگر ثابت شود که مطلق استعمال حرام است، گفته می‌شود که یکی از استعمالات، وضو و غسل است لذا وضو و غسل از ظروف طلا و نقره حرام است یا اینکه خصوص استعمال ظروف طلا و نقره برای اكل و شرب جنبه حرمت دارد که اگر مطلق استعمال ظروف طلا و نقره حرام باشد، وضو و غسل از ظرف طلا و نقره نیز حرام است، ولی اگر مطلق استعمال آنها حرام نباشد، حرمت استعمال ظروف طلا و نقره به اكل و شرب اختصاص پیدا می‌کند.

مستند قول به عدم حرمت استعمال ظروف طلا و نقره برای وضو و غسل، روایات مشتمل بر صیغه نهی و ماده نهی می‌باشند. گفته‌اند که این روایات ناظر به نهی از اكل و شرب می‌باشند و استعمالات دیگر از جمله وضو و غسل را شامل نمی‌شوند. برای قول دوم [مبنی بر حرمت استعمال ظروف طلا و نقره برای وضو و غسل] به روایاتی استناد شده است که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا (ع) عَنْ آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ «فَكَرِهَهَا...»^۲.

در روایت صحیح مذکور، آمده است که امام رضا (ع) از ظرف طلا و نقره کراهت ورزید و خوشش نیامد. آیا این کراهت، کراهت تکوینی بوده است و صرفاً حالت اشمئزاز و بیزارى بوده است یا اینکه، کراهت تشریعی بوده است؟

گفته‌اند که تعبیر «فَكَرِهَهَا» مطلق است و مقید به اكل و شرب نیست و معنایش این است که ظروف طلا و نقره به جمیع استعمالاتش، حتی استعمال به منظور وضو و غسل، مورد کراهت امام رضا (ع) بوده است و گرنه در روایت این گونه می‌آمد که امام (ع) از اكل و شرب آنها کراهت داشت؛ نه اینکه از استعمال آنها کراهت داشت.

گفته شده است که مقصود از کراهتی که در روایت مذکور آمده است، کراهت تکوینی که صرف تنفر و انزجار است، نیست، بلکه مقصود کراهت تشریعی به معنای مبعوضیت است.

۱. همان، ص ۱۵۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، کتاب الطهارة، ابواب النجاسات، باب ۶۵، ص ۵۰۶، ح ۱.

اشکالی که بر استدلال به روایت مذکور، وارد شده است، این است که بر فرض اینکه کراهت به معنای مبعوضیت باشد که بر حرمت دلالت کند، ولی سؤال این است که «فکرهما» بر مطلق استعمال دلالت دارد یا بر مطلق استعمال دلالت ندارد، بلکه فقط بر استعمال به منظور اکل و شرب دلالت دارد؟

گاهی استدلال کننده توجه به این نکته ندارد و فقط به این توجه دارد که مطلق استعمال مبعوضیت دارد. گفته‌اند که اگر کراهت و حرمت استفاده بشود، گاهی کراهت و حرمت به ذات یا به شخص استناد داده می‌شود که باید فعل مناسبی در تقدیر گرفته شود. اگر فعلی در کار نبود و کراهت یا حرمت به ظاهر به ذات یا شخص نسبت داده شد، باید فعل مناسبی در تقدیر گرفته شود تا معنی درست شود؛ مثلاً در سوره مائده این گونه آمده است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنَازِيرِ...»^۱.

گفته‌اند که فعل مناسب در تقدیر، «أَكَلَ» است، یعنی «حرمت علیکم اکل المیتة...». همچنین، در آیه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ امْهَاتُكُمْ...»^۲، فعل «نکاح» در تقدیر است، یعنی نکاح امهات حرام است؛ همان‌طور که در «بحرم علیکم الحریر»، مراد لبس الحریر است.

پس از نظر ادبی، اگر کراهت یا حرمت به چیزی یا شخصی استناد داده شود، باید فعل مناسب در تقدیر گرفته شود؛ حال سؤال این است که در روایت مذکور که تعبیر «فکرهما» آمده است، منظور چیست؟ آیا بر مطلق استعمال دلالت دارد یا اینکه باید فعل مناسب با این تعبیر که اکل و شرب است، در تقدیر گرفته شود؟ مستشکل گفته است که در این جمله، فعل مناسب «أَكَلَ و شَرَبَ» باید در تقدیر گرفته شود.

بنابراین، «کرهما» بر کراهت از مطلق استعمال که یکی از آن استعمالات، وضو و غسل است، دلالت نمی‌کند، بلکه بر کراهت از خصوص استعمال به منظور اکل و شرب دلالت می‌کند. بنابراین، روایت مذکور، ناظر به حرمت مطلق استعمال آنها نیست لذا وضو و غسل را شامل نمی‌شود و حرمت وضو و غسل از آب ظروف طلا و نقره از این روایت استفاده نمی‌شود.

روایت دوم: عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ «أَنَّهُ كَرِهَ آئِيَةَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْآئِيَةَ الْمُفَضَّضَةَ»^۳. «مُفَضَّضَةً»، به معنای نقره کاری شده، است.

همان اشکالی که در رابطه با استدلال به روایت قبل مطرح شد، در مورد این روایت صحیح نیز مطرح می‌شود و عرض می‌شود که در این روایت نیز باید فعل مناسب در تقدیر گرفته شود و لذا منظور از «کره»، کراهت مطلق استعمال ظرف طلا و نقره نیست، بلکه کراهت اکل و شرب از آنها است.

روایت سوم: عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع)؛ قَالَ: «آئِيَةُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مَتَاعُ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ»^۴. ظروف طلا و نقره متاع کسانی است که به قیامت ایمان ندارند.

مقصود امام (ع) از کلام مذکور در روایت، این است که ظروف طلا و نقره از متاع کافر که هیچ اعتقاد و ایمانی ندارد، شمرده می‌شود لذا استعمال این ظروف برای مسلمان جایز نیست و متاع به معنای مطلق ما ینتفع به است و وضو و غسل نیز از مصادیق

۱. «المائدة»: ۳.

۲. «النساء»: ۲۳.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، کتاب الطهارة، ابواب النجاسات، باب ۶۵، ص ۵۰۸، ح ۱۰.

۴. همان، ص ۵۰۷، ح ۴.

ما ینتفع به، به شمار می‌روند می‌باشند و طبق این روایت وضو و غسل از آب ظرف طلا و نقره حرام است چون وضو و غسل از آب ظرف طلا و نقره از مصادیق ما ینتفع به، به شمار می‌روند و چون ظروف طلا و نقره متاع غیر مسلمان می‌باشند، استفاده از آنها، به منظور وضو و غسل حرام است.

اشکال به استدلال به روایت مذکور

اولاً، روایت مذکور، سنداً ضعیف است و افرادی در سلسله سند این روایت وارد شده‌اند که توثیق نشده‌اند.

ثانیاً، بر فرض اینکه از اشکال رجالی صرف نظر شود، این روایت مشکل دلالتی نیز دارد و دلالت آن تمام نیست زیرا متاع عبارت از کل ما ینتفع به نیست تا وضو و غسل را نیز شامل بشود، بلکه متاع به معنای کل ما ینتفع به با تقدیر مناسب می‌باشد، یعنی ما ینتفع به من جهة الأكل و الشرب. بنابراین، ما ینتفع به از ظروف طلا و نقره نزد عرف، اكل و شرب است و مطلق نیست تا وضو و غسل را نیز شامل شود، کما اینکه وقتی گفته می‌شود که لباس متاع است، منظور، ما ینتفع به من جهة اللبس است و همچنین، وقتی گفته می‌شود که مرکب متاع است، منظور، ما ینتفع به من جهة الركوب است. پس این گونه نیست که متاع در روایت مذکور، معنای مطلق داشته باشد تا وضو و غسل را نیز شامل شود.

سوالی مطرح می‌شود و آن، اینکه اگر در روایات مذکور، مطلق استعمال در تقدیر گرفته شود و خصوص اكل و شرب در تقدیر گرفته نشود، آیا می‌توان به این روایات برای حکم به حرمت وضو و غسل از آب ظرف طلا و نقره تمسک کرد یا نمی‌توان به این روایات تمسک کرد؟

پاسخ این سؤال، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»